

Country Divisions and the Current Modernization and Centralization in the Period of Reza Shah 1304-1320

Farshid Noroozi*, Hoshang Khosrobeagi**
Nezamali Dehnavi***, Alireza Ali Soufi****

Abstract

The policy of centralization and the implementation of modernization programs were put on the agenda in the form of various programs and different forms during the Reza Shah period. During this period, the implementation of programs and laws such as the mandatory duty system, civil registry, the discovery of hijab, the Settlement of nomads, the new judicial system, the registration of documents and properties, tax affairs ,and so on. It was necessary to organize the divisions of the country in a modern framework. Therefore, Reza Shah changed the structure of the country's divisions to implement his goals. This research is trying to answer the main question, what was the process of changes in the country's divisions during Reza Shah's period ,and what was its relationship with the goals of modernization and centralization in this period? The research method in this study is the historical method with a descriptive-analytical approach and relies on archival documents, periodicals ,and written sources. The findings of this research showed that the changes in the field of country divisions in this period greatly increased the political concentration and influence of the government from the provinces to the villages. After that, the modernist policies of the government gained more momentum in various economic, administrative, and educational fields especially the strengthening and development of the new army.

Keywords: Country Divisions, Modernization, Centralization, Reza Shah.

* PhD student, Department of History, Payam Noor University, Tehran, Iran, (Corresponding Author)
Farshidnoroozi20@student.pnu.ac.ir

** Associate Professor, Department of History , Payame noor university, Tehran, Iran, kh_beagi@pnu.ac.ir

*** Assistant Professor, Department of History , Payame noor university, Tehran, Iran,
N_dehnavi@pnu.ac.ir

**** Associate Professor, Department of History , Payame noor university, Tehran, Iran, ar.sofi@pnu.ac.ir

Date received: 2022/12/14, Date of acceptance: 2023/07/10



تقسیمات کشوری و جریان تمرکزگرایی و نوسازی در دوره رضاشاه ۱۳۰۴-۱۳۲۰ ش

فرشید نوروزی*

هوشنگ خسرویگی**، نظام علی دهنوی***، علیرضا علی صوفی****

چکیده

سیاست تمرکزگرایی و اجرای برنامه‌های نوسازی در دوره رضاشاه در قالب برنامه‌های گوناگون و به‌صورت مختلف در دستورکار قرار گرفت. در این دوره، اجرای برنامه‌ها و قوانینی چون نظام‌وظیفه اجباری، سجل احوال، کشف حجاب، تخته‌قاپوکردن عشایر، نظام قضایی جدید، ثبت اسناد و املاک، امور مالیاتی، و ... نیازمند سازمان‌دهی تقسیمات کشوری در چهارچوب مدرن بود. ازاین‌رو، رضاشاه برای اجرای اهداف خود به ایجاد تحول در ساختار تقسیمات کشوری پرداخت. مسئله این تحقیق تأثیر جریان نوسازی و سیاست‌های تمرکزگرایانه دوره رضاشاه بر روند تقسیمات کشوری است؛ رویه‌ای که روال پیشینی را دچار دگرگونی ساخته است. روش تحقیق در این پژوهش روش تاریخی با رویکرد توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر اسناد آرشیوی، نشریات ادواری، و منابع مکتوب است. یافته‌های این پژوهش نشان داد که تغییرات در حوزه تقسیمات کشوری در این دوره تمرکز سیاسی و نفوذ حکومت از استان‌ها تا روستاها را بسیار افزایش داد. به‌دنبال آن، سیاست‌های نوگرایانه حکومت در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اداری، آموزشی، و به‌خصوص تقویت و توسعه ارتش نوین شتاب بیش‌تری گرفت.

کلیدواژه‌ها: تقسیمات کشوری، نوسازی، تمرکزگرایی، رضاشاه.

* دانشجوی دکتری، گروه تاریخ، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)،

farshidnorozi20@gmail.com

** دانشیار، گروه تاریخ، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، kh_beagi@pnu.ac.ir

*** استادیار، گروه تاریخ، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، ndehnavi@pnu.ac.ir

**** دانشیار، گروه تاریخ، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، ar.sofi@pnu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۲۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۱۹



۱. مقدمه

تقسیمات داخلی قلمرو جغرافیایی هر حکومت یا نظام تقسیمات کشوری بخشی از حوزه مطالعات تشکیلات اداری محسوب می‌شود. تشکیلات اداری ایران دارای سابقه طولانی در حوزه تقسیمات کشوری و نظام اداری سرزمینی است و تنها اقتضائات هر دوره‌ای سبب تغییرات جزئی در ساختار کلی آن شده است. حکومت‌های شکل گرفته در ادوار مختلف تاریخ ایران برای اداره بهتر امور سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و نظامی از الگوهای تقسیمات کشوری موجود بهره برده‌اند، اما در تطابق با شرایط جدید برخی تغییرات را نیز اجرایی کرده‌اند. به عبارت دیگر، استمرار و تداوم از وجوه پابرجا در بخش نظام تقسیمات کشوری ایران است.

در دوره قاجاریه، پس از ارتباط گسترده ایرانیان با دنیای غرب، ساختار دیوان‌سالاری و تشکیلات اداری ایران دچار تحول و دگرگونی گردید. در این جهت، یکی از وجوه برجسته انقلاب مشروطیت خواست روشن‌فکران و اندیشمندان ایرانی جهت تمرکز بیش‌تر نظام اداری و تغییر و تحول در حوزه تشکیلات دیوان‌سالاری بود، اما اقدامات طرفداران استبداد و نیز تبعات جنگ جهانی اول سبب شد که تحولات عمده‌ای در این حوزه صورت عملی به خود نگیرد.

با روی کار آمدن سلسله پهلوی تغییرات چشم‌گیری در حوزه تقسیمات سرزمینی و ساختار اداری مناطق با تکیه بر تمرکزگرایی و حمایت از برنامه‌های نوگرایانه صورت گرفت که ساختارهای پیشینی را دچار دگرگونی ساخت. حکومت ایران در دوره رضاشاه، که برآمده از نظام ایللانی نبود، پس از استقرار به دنبال نوسازی در عرصه‌های اداری، اجتماعی، فرهنگی، نظامی، اقتصادی، و صنعتی بود. بنابراین، همگام با تحولات در سایر ارکان حکومت، اقداماتی جهت سازمان‌دهی نظام مدیریت تقسیمات کشوری صورت گرفت. مسئله این تحقیق تأثیر جریان نوسازی و سیاست‌های تمرکزگرایانه دوره رضاشاه بر روند تقسیمات کشوری است؛ رویه‌ای که روال پیشینی را دچار دگرگونی ساخته است.

روش تحقیق در این پژوهش روش تاریخی با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر اسناد آرشیوی، نشریات ادواری، و منابع مکتوب است. در باب پیشینه پژوهش بایستی بیان داشت که تاکنون مطالعاتی انجام نشده است. زهرا احمدی‌پور و علیرضا منصوریان در مقاله‌ای با عنوان «تقسیمات کشوری و بی‌ثباتی سیاسی در ایران (۱۲۸۵-۱۳۵۷)» رابطه بین الگوی تقسیمات کشوری و بی‌ثباتی سیاسی بین دو انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی را مورد بررسی و تحلیل قرار داده‌اند، ولی در این پژوهش به رابطه بین تقسیمات کشوری و نوسازی و تمرکز سیاسی پرداخته نشده است. حامد نوحه‌خوان نیز در مقاله‌ای با عنوان «معیارهای تقسیمات کشوری در

دوره پهلوی» به بررسی روند تغییرات تقسیمات کشوری ایران از سال ۱۲۸۵ ش تا پایان حکومت پهلوی دوم می‌پردازد. وی در بخش مربوط به تقسیمات کشوری دوره رضاشاه تنها به بررسی مختصر تأثیرگذاری عامل تثبیت حاکمیت حکومت مرکزی و دربار دوره رضاشاه در تحول تقسیمات کشوری این دوره می‌پردازد.

۲. ضرورت تغییرات در وزارت داخله

ساختار سیاسی حاکم بر دوره قاجاریه به واسطه توانایی فردی آقامحمدخان و کمک و همراهی ایل قاجار شکل گرفته بود. از این رو شاهان قاجار برای اداره این ساختار سیاسی حکمرانی ایالات و ولایات را در قبال دریافت مبالغی به شاهزادگان قاجار واگذار می‌کردند و در مقابل، آنان در نحوه اداره مناطق تحت حاکمیت خود آزادی عمل فراوان داشتند (لمبتون ۱۳۷۵: ۱۳۲). در این شیوه حکمرانی، ترکیبی از نظام‌های سیاسی متمرکز و مرکزگیز ایجاد شد که از یک سو شاهزادگان در مقام نمایندگان حکومت مرکزی ملزم به اطاعت و انجام تعهدهایی به شخص شاه بودند، اما از سوی دیگر در اداره مناطق تحت حاکمیتشان قدرت نامحدود داشتند و چندان به حکومت مرکزی پاسخگو نبودند.

با شکل‌گیری انقلاب مشروطه و تمایل فراوان به تمرکزگرایی در ایران در سال‌های منتهی به پایان حکومت قاجاریه و آغاز حکومت پهلوی، به‌خاطر شرایط نامناسب در دوره پس از جنگ جهانی اول ایجاد نوعی از نظام متمرکز سیاسی را دشوار کرد. بنابراین، برای شکل‌گیری حکومت مرکزی مقتدر در دوره سلطنت رضاشاه تأسیس نهادهای جدید و فراهم‌آوردن ابزارهایی چون ۱. ایجاد ارتش دائمی نیرومند؛ ۲. تشکیل دیوان‌سالاری کارآمد و متمرکز؛ ۳. احداث شبکه حمل‌ونقل گسترده و منظم لازم و ضروری به‌نظر می‌رسید.

در این میان، تشکیل دیوان‌سالاری کارآمد و متمرکز که مجری برنامه‌های نوگرایانه حکومت مرکزی باشد اهمیت زیادی داشت. لازمه تحقق این دیوان‌سالاری تغییر تشکیلات اداری در جهت اهداف فوق بود. از مهم‌ترین بخش وزارت‌خانه‌ای که تغییرات آن تأثیرات خود را بر دیگر بخش‌ها می‌نهاد وزارت داخله بود. این تغییرات در چهار شکل قابل‌شناسایی است:

۱. تغییرات در ساختار اداری در تشکیلات وزارت داخله در مرکز؛

۲. تغییرات در ساختار تقسیمات کشوری؛

۳. تغییر در اصطلاحات و عناوین اداری و نیز نام‌های شهرها و روستاها؛

۴. تغییرات در شرح وظایف و اختیارات صاحب‌منصبان و متصدیان امور.

۳. تغییر ساختار وزارت داخله و تدوین نظام‌نامه وظایف حکام در جهت نوسازی اداری و ایجاد تمرکز سیاسی در پایتخت

براساس ضرورت‌های پیش‌گفته و در جهت سیاست‌های نوسازی حکومت، اساس‌نامه وزارت داخله‌ای که وظیفه مدیریت تقسیمات کشوری دوره پهلوی اول را برعهده داشت باتوجه‌به تحولات اداری ایجادشده در سال‌های آغازین این حکومت در سال ۱۳۱۰ ش و در ایام وزارت داخله علی‌منصور از نو نوشته شد.

براساس این اساس‌نامه، وزارت داخله به شش قسمت ۱. «قسمت مرکزی وزارت‌خانه»؛ ۲. «ادارات ایالتی و ولایتی»؛ ۳. «نظمیه»؛ ۴. «بلدیه‌ها»؛ ۵. «احصائیه و سجل احوال»؛ ۶. «صحیه» تقسیم شد. به‌منظور افزایش تمرکز اداری، قسمت «ادارات ایالتی و ولایتی» ایجاد شد که وظیفه هدایت و راهبری «ایالات»، «ولایات»، «بلوک»، و «دهات» ایران را، که در ماده هشتم این اساس‌نامه با عنوان «حوزه‌بندی اداری و تشکیلات ایالات و ولایات مملکت ایران» به آن پرداخته شده بود، برعهده داشت. در این ماده، براساس تحولات شتابان سیاسی ایران، تعریف جدیدی از حوزه‌بندی اداری و تشکیلات مملکت ایران ارائه شده است (ساکما، شناسه بازیابی ۲۹۲۰۰۵۴۰۹).

«ادارات ایالتی و ولایتی وزارت داخله» در مرکز به‌عنوان یک اداره نویناد شامل «اداره جنوب»، «اداره شمال»، «اداره شرق»، «اداره غرب»، و «اداره مرکز» بود که هر قسمت وظیفه نظارت و راهبری امور ایالات زیرمجموعه این مناطق را به‌عهده داشت (کیهان ۱۳۱۱: ۱۲۶). این بخش از وزارت داخله پیش‌ازاین با نام «شعبه تحریرات» با وظایف بسیار محدودتر فعالیت داشت و اکنون به اداره تغییر نام یافته بود (ساکما، شناسه بازیابی ۲۹۳۰۰۰۴۹۱؛ ۲۹۳۰۰۰۱۹۶۳).

روند تغییرات عناوین ادارات متوقف نشد. ظاهراً بسیار زود نام‌های متأثر از جهت‌های جغرافیایی جای خود را به «اول»، «دوم»، و ... داد. مثلاً به‌جای «اداره شمال» در سربرگ نامه وزارت داخله از «اداره اول» استفاده شده است که نشان می‌دهد «ادارات شمال، جنوب، شرق، و غرب» به «ادارات اول، دوم، سوم، و چهارم» تغییر نام داده‌اند (ساکما، شناسه بازیابی ۲۴۰۹۶۵۰۸). دوره سوم تغییرات عناوین به‌فاصله حدود چهار سال بعد روی داد. بررسی‌ها نشان داد که از سال ۱۳۱۵ ش این ادارات چهارگانه ایالتی و ولایتی در وزارت داخله به «اداره کل امور کشوری»، که وظیفه نظارت بر اسکان و عمران، تابعیت و آمار، انتظامات، امور سیاسی، و سایر امور مربوط به وزارت داخله تمام ایالات و ولایات را به‌عهده داشت، تغییر نام داد (ساکما، شناسه بازیابی ۲۹۱۰۰۲۰۰۲؛ ۲۹۳۴۱۴۶۲؛ ۲۹۳۰۰۰۴۴۵۵). این تغییرات نشان‌دهنده

بازنگری مداوم در تشکیلات اداری وزارت داخله و افزایش اختیارات و تمرکز بیش‌تر در مرکز و نیز والی در ایالت در این دوره است.

به دنبال این تغییرات و به منظور ایجاد یک ساختار متمرکز بالا به پایین، تقسیمات کشوری بازتعریف شد. «ایالت» مرکب از چند «حوزه ولایتی» تعریف شد که بنابر مقتضیات محلی و اداری به ریاست یک نفر «والی» اداره می‌شد. هم‌چنین، برای اجرای سیاست‌های نوین حکومت پهلوی برای هر «ایالت» یک نفر «والی»، برای هر «ولایت» یک نفر «حاکم»، و در رأس هر «بلوک» یک نفر «نایب‌الحکومه» و برای هر «ده» یک نفر «کلخدا» تعیین شد. علاوه‌براین، وزارت داخله این اجازه را داشت که وظایف «بلدی» و «احصائی» هریک از شهرها را، که از نتایج اجرای سیاست‌های نوگرایانه در این دوره بود، ضمیمه شغل والی و حاکم کند. از آنجایی که تعیین حدود و تقسیم‌بندی کشوری جزو وظایف مجلس شورای ملی بود، در این اساس‌نامه مقرر شد که حوزه‌بندی مملکت در جدول معینی تنظیم و نقشه رسمی آن با امضا و تصدیق وزارت داخله و برای تصویب به مجلس شورای ملی تقدیم گردد (ساکما، شناسه بازپایی ۲۹۲۰۵۴۰۹).

در کنار نوسازی در ساختار وزارت داخله، نخستین اقدامات اصلاحی حوزه تقسیمات کشوری دوره پهلوی اول در سال ۱۳۰۵ ش و در زمان ریاست‌وزرایی حسن مستوفی و ایام وزارت داخله مهدی مشیر فاطمی صورت گرفت. این درحالی بود که وزارت داخله دولت‌های پس از مشروطه و نیز وزارت داخله دولت‌های بعد از سلطنت رضاشاه براساس «قانون تشکیل ایالات و ولایات و دستورالعمل حکام» سال ۱۲۸۶ ش به اداره ایالت‌ها و ولایت‌های کشور ایران اقدام می‌کردند.

ایران بعد از مشروطه و خصوصاً از دوره ریاست‌وزرایی رضاخان و ایام سلطنت وی دست‌خوش تحولات گسترده‌ای در حوزه‌های مختلف شد و مدیریت این تحولات در سطح ایالات و ولایات نیازمند ساختارها، قوانین، و دستورالعمل‌های جدیدتری بود. نخستین اقدام در این زمینه توسط مهدی مشیر فاطمی و وزیر داخله کابینه حسن مستوفی کلید خورد. وی از بهمن ۱۳۰۵ تا اردیبهشت ۱۳۰۶ در این سمت حضور داشت و به تدوین لایحه تغییر حوزه‌بندی اداری مملکتی طبق اصول و قواعد مدرن اقدام و در اسفند ۱۳۰۵ برای تصویب یک فوریت آن تقدیم مجلس شورای ملی کرد، اما اقدامات وی به دلیل عمر کوتاه وزارتش به سرانجام نرسید و این قانون تا سال ۱۳۱۶ ش اجرایی نشد.

رجبعلی منصور (منصورالملک) دولت‌مرد دیگری بود که برای نوسازی در تقسیمات کشوری ایران اقداماتی انجام داد. وی، که از سال ۱۳۰۰ ش همواره مناصب مهمی در دولت

داشت و از اطلاعات ارزشمندی در حوزه‌های مختلف حکومت برخوردار بود و نیز از ۱۳۰۶ تا ۱۳۰۸ ش در سمت والی آذربایجان از کاستی‌های اداره امور ایالات و ولایات آگاه گردید، پس از انتخابش به‌عنوان وزیر داخله در سال ۱۳۰۸ ش، تدوین نظام‌نامه جدید وظایف حکام را آغاز کرد. این تلاش‌ها به تدوین و تصویب «نظام‌نامه وظایف حکام» در ۲۵ فروردین ۱۳۱۰ و اساس‌نامه تشکیلات و وظایف وزارت داخله در ۲۸ فروردین همان سال در هیئت وزرا منجر گردید.

در این نظام‌نامه، والیان هم به‌عنوان ناظر بر جریان امور در ایالت و هم به‌عنوان مجری سیاست عمومی دولت معرفی شدند. علاوه‌براین، والی ناظر بر اقدامات ادارات دولتی بوده و وظیفه تطبیق خط‌مشی اساسی و اقدامات آن‌ها با سیاست عمومی دولت را برعهده داشت. هم‌چنین، رسیدگی به امور انتظامی و سیاسی ایالات برعهده والیان گذاشته شد و ضمن تفویض اختیار به والیان، مراجعه به مرکز در موارد خاص نیز تجویز شد. در جهت ارتقای جایگاه حاکم ایالت، قدرت در سطح ایالات به‌صورت متمرکز در اختیار حاکمان اعزامی از مرکز قرار گرفت و رؤسای دوایر دولتی از انجام هرگونه اقدامی پیش از اخذ مجوز از والی منع شدند. باتوجه‌به روند شتابان تحولات در حوزه‌های سیاست داخلی و سیاست خارجی ایران در این دوره و نظر به رویکرد حکومت برای تمرکز امور ایالات و ولایات در وزارت داخله، وظایف کارگزاری‌های وزارت خارجه در ایالات به والیان واگذار شد و آنان مکلف شدند از انجام هر عملی که مضر به سیاست خارجی و سیاست داخلی کشور باشد جلوگیری کنند. «نایب‌الحکومه‌ها» یا همان «رؤسای بلوک‌ها» تابع «حکام ولایتی» و «حکام ولایات جزء ایالات» نیز تابع «والیان» و «حکام جزء» «غیرتابع ایالات و مستقل» ضمن داشتن تمامی این وظایف در سطح ولایات مجوز مراجعه مستقیم به وزارت داخله را نیز داشتند (ساکما، شناسه بازیابی ۲۹۳۰۰۶۰۸۷؛ ۲۹۰۰۰۶۴۰۴).

۴. تغییر نام شهرها، بخش‌ها، و روستاها و سیاست الحاق یا تفکیک استان‌ها، شهرها، بخش‌ها، و روستاها در جهت نوسازی در نظام تقسیمات کشوری و کسب مشروعیت سیاسی

بی‌نظمی و هرج‌ومرج ناشی از شرایط پس از جنگ جهانی اول در ایران و درخواست برقراری نظم و امنیت از سوی جامعه به رضاخان این امکان را داد که با تکیه بر نیروهای قزاق، سایر رقبا را از صحنه خارج کند و با برقراری امنیت، قدرت را به‌دست گیرد. وی برای انجام

چنین کاری و نیز کسب مشروعیت سیاسی، همانند سایر حکام خودکامه، دست به ایجاد شبکه گسترده نهادهای محوری مانند پلیس و نوسازی نیروهای نظامی و ادارات و وزارتخانه‌ها زد. این نهادها مهم‌ترین ابزارهایی هستند که حاکمان خودکامه برای حفظ حاکمیت فردی خود به کار می‌گیرند (مدیر شانه‌چی ۱۳۷۹: ۵۵). درواقع، تأسیس، نوسازی، و به کارگیری صحیح این نهادها در جهت اعمال حاکمیت فردی بود که به رضاخان کمک کرد تا بتواند هم مشروعیت سیاسی برای حکومت خود کسب کند و هم حکومت مرکزی مقتدری ایجاد کند. از این منظر، در سال‌های آغازین سلطنت رضاشاه و پیش از تدوین قانون جدید مدیریت تقسیمات کشوری در سال ۱۳۱۶ ش، تحولات دیگری در حوزه تقسیمات کشوری جریان داشت که عمده آن به تغییر نام شهرها مربوط می‌شد. تغییر در عناوین شهرها و روستا بیش‌تر از آن‌که معطوف به سیاست‌های تمرکزگرایانه باشد، بیش‌تر مربوط به عوامل و دلایل دیگر است. این‌گونه به نظر می‌رسد که سیاست تغییر نام مناطق و شهرها با این حجم پیش‌ازاین در تاریخ ایران سابقه‌ای نداشت. بنابراین، می‌توان استنباط کرد که رضاشاه در جهت نوسازی در سایر حوزه‌ها از جمله سیاسی، اقتصادی، آموزشی، اداری، و صنعتی نوسازی در حوزه تقسیمات کشوری را نیز با تغییر نام مناطق و شهرها آغاز کرد، اگرچه می‌توان این اقدام را در جهت ایجاد مشروعیت سیاسی برای حکومت جدید تحلیل کرد. در اواخر دوره قاجاریه و حدود شش سال قبل از قدرت‌گیری رضاخان، موج جدیدی از باستان‌گرایی، عرب‌ستیزی، خالص‌سازی زبان، و حذف واژه‌های بیگانه به راه افتاد و چاپ مقالاتی در نشریات کاوه، ایرانشهر، و ایران باستان به این موج دامن زد (آصف ۱۳۸۴: ۲۴۹).

در تغییر نام شهرها در سال‌های آغازین حکومت پهلوی بیش‌تر از نام‌های پهلوی، شاه، و شاهپور استفاده شد. نخستین تغییر نام به دستور رضاشاه به اسفند سال ۱۳۰۴ مربوط می‌شود که براساس آن، نام شهر «آق‌قلعه» به «پهلوی‌دژ» تغییر یافت. این تغییر بنابه درخواست فرمانده تیپ مستقل شمال و موافقت رضاشاه و با ابلاغ وزارت جنگ به وزارت معارف و اوقاف صورت پذیرفت (ساکما، شناسه بازایی ۲۹۷۰۰۵۱۵۸). در همین سال، ظاهراً بنابه درخواست برخی اهالی «انزلی» و پیش‌نهاد حکومت گیلان و تصویب هیئت وزرا اسم شهر «انزلی» به «بندر پهلوی» تغییر یافت (ساکما، شناسه بازایی ۲۹۱۰۰۰۲۷۹). در سال ۱۳۰۵ ش نیز طبق درخواست برخی اهالی «قمشه» و تصویب رضاشاه نام «قمشه» به «شهرضا» تغییر کرد (ساکما، شناسه بازایی ۲۴۰۰۱۳۸۵۳).

تغییر نام‌های موردی در سال‌های بعد نیز ادامه داشت. تلاش شده در جدول ۱ بخشی از این تغییرات را نشان دهیم.

جدول ۱. تغییرات نام شهرها در دوره رضاشاه

تاریخ تغییر نام	نام قدیم	نام جدید	مأخذ
۱۳۰۷	خورموسی	بندر شاپور	ساکما، ۲۴۰۰۱۱۰۲۸
۱۳۰۹	نصرت آباد	زابل	ساکما، ۲۴۰۰۱۸۵۸۲
۱۳۰۹	دزداب	زاهدان	ساکما، ۲۴۰۰۱۸۵۸۲
۱۳۰۹	کهنه شهر	تازه شهر	ساکما، ۲۳۰۰۰۷۸۹
۱۳۱۰	علی آباد	شاهی	ساکما، ۲۹۳۰۰۱۳۷۵
۱۳۱۱	حبیص	شهداد	ساکما، ۲۴۰۰۱۸۱۵۴
۱۳۱۱	ناصری	اهواز	ساکما، ۲۴۰۰۱۷۳۴۹
۱۳۱۲	حسین آباد پشتکوه	ایلام	ساکما، ۲۴۰۰۲۱۱۴۶
۱۳۱۴	خفاجیه	سوسنگرد	ساکما، ۲۹۷۰۳۸۴۳۳
۱۳۱۴	فلاحیه	شادگان	ساکما، ۲۹۷۰۳۸۴۳۳
۱۳۱۴	محمره	خرمشهر	ساکما، ۲۹۷۰۳۸۴۳۳
۱۳۱۴	بساتین	بستان	ساکما، ۲۹۷۰۳۸۴۳۳
۱۳۱۴	عبادان	آبادان	ساکما، ۲۹۷۰۳۹۹۹۰
۱۳۱۴	مال امیر	ایذه	ساکما، ۲۹۷۰۳۹۹۹۰
۱۳۱۴	حویزه	هویره	ساکما، ۲۹۷۰۳۹۹۹۰
۱۳۱۴	بنی طرف	دشت بن	ساکما، ۲۹۷۰۳۹۹۹۰
۱۳۱۴	بندر جز	بندر شاه	ساکما، ۲۹۷۰۳۹۹۹۰
۱۳۱۴	فهرج	ایران شهر	ساکما، ۲۹۷۰۳۹۹۹۰
۱۳۱۴	قلعه دیزک	داورپناه	ساکما، ۲۹۷۰۲۰۲۰۴
۱۳۱۴	استرآباد	گرگان	ساکما، ۲۹۷۰۲۰۲۰۴
۱۳۱۴	صحرای ترکمان	دشت گرگان	ساکما، ۲۹۷۰۲۰۲۰۴
۱۳۱۴	تون	فردوس	ساکما، ۱۰۸۰۰۴۳۶۷۰۸
۱۳۱۴	بارفروش	بابل	ساکما، ۱۰۸۰۰۴۳۶۷۰۸
۱۳۱۴	دهکرد	شهرکرد	ساکما، ۱۰۸۰۰۴۳۶۷۰۸
۱۳۱۴	ترشیز	کاشمر	ساکما، ۱۰۸۰۰۴۳۶۷۰۸
۱۳۱۴	دهنو	نوشهر	ساکما، ۱۰۸۰۰۴۳۶۷۰۸
۱۳۱۴	سخت سر	رامسر	ساکما، ۲۴۰۰۲۲۹۶۹

تقسیمات کشوری و جریان تمرکزگرایی و ... (فرشید نوروزی و دیگران) ۲۶۱

تاریخ تغییر نام	نام قدیم	نام جدید	مأخذ
۱۳۱۴	هارون آباد	شاه آباد	ساکما، ۲۴۰۰۲۲۹۶۹
۱۳۱۴	منصور و سہ یک پشتکوه	مهران	ساکما، ۲۴۰۰۲۲۹۶۹
۱۳۱۴	صائین قلعه	شاهین دژ	ساکما، ۲۴۰۰۲۲۹۶۹
۱۳۱۴	قراجه داغ	ارسیاران	ساکما، ۲۴۰۰۲۲۹۶۹
۱۳۱۴	ساوجیلاغ مکری	مہاباد	ساکما، ۱۸۷۴۶۸۱
۱۳۱۴	میانج	میانه	ساکما، ۱۸۷۴۶۸۱
۱۳۱۴	قراچمن	سیاہ چمن	ساکما، ۱۸۷۴۶۸۱
۱۳۱۵	مشهدسر	بابلسر	ساکما، ۲۹۳۰۰۰۰۱۵
۱۳۱۶	تیکان تپہ	تکاب	ساکما، ۲۴۰۰۳۷۴۰۴
۱۳۱۶	خزعل آباد	خسر و آباد	ساکما، ۲۴۰۰۳۷۴۰۴
۱۳۱۶	خزعلیہ	خرم کوشک	ساکما، ۲۴۰۵۷۵۱۶
۱۳۱۶	گچ قرہ گلی	گچساران	ساکما، ۲۴۰۵۷۵۱۶
۱۳۱۶	قریہ عرب	پل دشت	ساکما، ۲۴۰۰۹۴۶۴

در مقاطعی از حکومت رضاشاه، سیاست تغییر نام‌ها با سیاست به هم پیوستن مناطق نیز همراه شد. حسب «متحد المال» بیست و یکم اسفند سال ۱۳۱۳ وزارت داخله و باتوجه به دستور رضاشاه ضمن تجميع مناطق «کرمان»، «بلوچستان»، و «زابل» نام «مکران» نیز برای آن انتخاب گردید (ساکما، شناسهٔ بازیابی ۲۴۰۰۱۷۷۵۹).

در این تغییر نام گروهی در سال ۱۳۱۴ ش، برای نخستین بار از فرهنگستان و نقش آن در تغییر نام شهرها در ابلاغیه‌ها به میان آمد (ساکما، شناسهٔ بازیابی ۲۹۷۰۲۰۲۰۴). با تأسیس فرهنگستان در سال ۱۳۱۴ ش، نقش این نهاد در تغییر نام شهرها و مناطق پررنگ شد و حسن وثوق، رئیس وقت فرهنگستان، در مهر سال ۱۳۱۶، طی نامه‌ای به ریاست وزرای وقت، به نقش فرهنگستان در تغییر نام‌ها اشاره می‌کند (ساکما، شناسهٔ بازیابی ۵۰۲۲۳۴۳).

تغییر نام‌ها از سال ۱۳۱۵ ش و با نامهٔ محرمانهٔ وزارت داخله برای تمامی ایالات و ولایات با موضوع ارسال فهرست اسامی غیرایرانی روستاها و مناطق مختلف ایران برای وزارت داخله در جهت تغییر نام این مناطق فرایندی منظم‌تر و روندی سریع‌تر به خود گرفت، اما نتایج آن در سال ۱۳۱۷ ش به صورت تأیید تغییر نام روستاها و مناطق توسط فرهنگستان نمایان شد (ساکما،

شناسه بازیابی ۳۱۰۳۶۷۱۹؛ ۳۱۸۱۸۹۱؛ ۳۱۳۲۰۹۳). از آنجایی که وظیفه اصلی این تغییر نام‌ها برعهده کمیسیون جغرافیایی فرهنگستان بود، کار بررسی این حجم از درخواست‌ها به‌کندی پیش می‌رفت. به‌عنوان نمونه، فهرست پیش‌نهادی سال ۱۳۱۵ ش در ۱۳ شهریور ۱۳۱۷ با تغییر نام ۶۴ روستا در گرگان و کردستان مورد تأیید قرار گرفت (ساکما، شناسه بازیابی ۳۱۰۳۶۷۱۳).

۵. سیاست الحاق یا تفکیک ایالات و ولایات

یکی دیگر از سیاست‌های رضاشاه در اوایل حکومت خود جهت ایجاد تمرکز قدرت سیاسی در پایتخت و نیز اجرای برنامه‌های نوگرایانه در کشور تدوین و اجرای سیاست الحاق یا تفکیک ایالات و ولایات در چهارچوب سازمان‌دهی نظام مدیریت تقسیمات کشوری بود. براساس این سیاست، شهرها و مناطق بنابه مقتضیات محلی، سیاسی، و اقتصادی از یک ایالت جدا و به ایالت دیگر ضمیمه می‌شدند. نگاه نظامی، امنیتی، و سیاسی حکومت مرکزی به ایالات و ولایات در جهت ایجاد تمرکز و جلوگیری از استقلال سایر نواحی در تدوین و اجرای این سیاست تأثیرگذار بود. اقدامات پیش‌دستانه حکومت مرکزی محور این سیاست بود. در این زمینه، حکومت مرکزی، باتوجه به وقوع رخداد‌های پیشینی در نواحی مرزی و ایلیاتی‌نشین، به تقویت نظارت و نیز ایجاد جدایی جغرافیایی و تقسیماتی در مناطقی که مستعد بروز حرکت‌های مخالف حکومت مرکزی بودند اقدام کرد. بخشی دیگر از دلایل حکومت مرکزی در جهت اجرای این سیاست به موضوع حمایت از برنامه نوین‌سازی ارتش و اجرای قانون سربازگیری یا نظام‌وظیفه برمی‌گردد. بر این اساس، حکومت مرکزی در جهت ایجاد تعادل در جذب نیروی انسانی مشمول نظام‌وظیفه برای لشکرهای نوین استانی و جلوگیری از هدررفت این منابع انسانی الحاق یا تفکیک بخش‌ها و روستاها از یک شهر به شهر دیگر را اجرا کرد.

پیش از تشکیل حکومت پهلوی اول، یعنی در سال ۱۳۰۱ ش، وظیفه الحاق یا تفکیک شهرها برعهده مجلس شورای ملی بود. براساس این وظیفه، مجلس شورای ملی قانون دوماه‌ای انفصال شهر «ابرقو» از حوزه حکومتی «اصفهان» و الحاق آن به حوزه حکومتی «یزد» را تصویب و به وزارت داخله سه ماه مهلت داد تا وسایل ضمیمه آن را به حکومت «یزد» فراهم سازد (ساکما، شناسه بازیابی ۲۹۰۰۰۱۹۶۳)، اما در دوره ریاست‌وزرای رضاخان و نیز در دوره سلطنت وی این امر از اختیارات وی، هیئت وزراء و وزارت داخله شد. در سال ۱۳۰۳ ش، وزارت داخله قصد تشکیل ایالت «لرستان» با تجمع دو ولایت «بروجرد» و «لرستان» را داشت، اما به‌واسطه عملیات قشون نظامی در خوزستان از این اقدام صرف‌نظر کرد (ساکما، شناسه

تقسیمات کشوری و جریان تمرکزگرایی و ... (فرشید نوروزی و دیگران) ۲۶۳

بازیابی ۲۹۰۰۰۶۵۴۶). در ۲۴ تیر ۱۳۰۶، هیئت وزرا نظر به مصالح و مناسبات محلی مازندران و طبق مدلول ماده ۲۹۶ از فصل ۲ قانون تشکیل ایالات و ولایات تصویب کرد که ولایات «مازندران» و «تنکابین» و توابع آنها دارای یک حکومت و به عنوان ایالت «مازندران» نامیده شود (ساکما، شناسه بازیابی ۲۴۰۰۳۹۵۲۷؛ ۲۴۰۰۱۴۳۴۶). در ۲۳ فروردین ۱۳۰۷، وزارت داخله حکومت «چهارمحال» را ضمیمه حکومت «اصفهان» کرد و از حکومت «اصفهان» درخواست کرد تا اداره امور «چهارمحال» را برعهده گیرد (ساکما، شناسه بازیابی ۲۹۳۰۰۰۴۹۱).

این انضمامها و یا انفکاکها از ناحیه مردم یک منطقه یا شهر نیز درخواست می شد. به عنوان نمونه، در سال ۱۳۰۹ ش، اهالی طایفه «میلانلو» طی عریضه ای به وزارت داخله به دلیل سختی ها و ظلم و ستم های یارمحمدخان، از عوامل حکومتی «اسفراین»، تقاضای جدایی از حکومت «اسفراین» و انضمام به حکومت «قوچان» را مطرح کردند (ساکما، شناسه بازیابی ۲۹۰۰۰۲۲۴). یا اهالی «سمیرم علیا» و «شش ناحیه» در سال ۱۳۱۵ ش به دلیل نزدیکی به «اصفهان» و دوری از حوزه ایالتی «فارس» تقاضای الحاق به ایالت «اصفهان» را مطرح کردند (ساکما، شناسه بازیابی ۱۷۹۱۵۶۶).

درا ادامه این سیاست و در خرداد ۱۳۱۱، حسب دستور رضاشاه، ایالت «آذربایجان» به دو قسمت شرقی و غربی تقسیم گردید. بر این اساس، ولایات «رضائیه»، «خوی»، «شاهپور»، «ماکو»، «ساوجبلاغ»، و «میان دو آب» به مرکزیت «رضائیه» به ایالت «آذربایجان غربی» موسوم و بقیه ولایات ایالت «آذربایجان»، که مرکز آن «تبریز» بود، به ایالت «شرقی آذربایجان» تغییر نام یافت (ساکما، شناسه بازیابی ۲۹۷۰۲۱۷۰۲). هم چنین، براساس سندی با عنوان «خلاصه تغییراتی که در تقسیمات کشور شده است» که ضمیمه ماده واحده با امضای مشترک ریاست وزرا و وزیر داخله با موضوع تصویب ادارات وزارت داخله به مجلس شورای ملی ارسال شده است نشان می دهد تا سال ۱۳۱۵ ش، «آذربایجان غربی» به سه ولایت «خوی»، «رضائیه»، و «مهاباد» تقسیم و با این تغییر «سقز» و «بانه» از «کردستان» مجزا و ضمیمه «مهاباد» شدند. «آذربایجان شرقی» به سه ولایت «تبریز»، «اردبیل»، و «مراغه» تقسیم شد.

«خراسان» از هفت ولایت «مشهد»، «قوچان»، «بجنورد»، «سبزوار»، «تربت حیدریه»، «قائنات»، و «فردوس» تشکیل شد. «فارس» به پنج ولایت «آباد»، «شیراز»، «اسطهبانات»، «جهرم»، و «لارستان» تقسیم گردید و با این تغییر، «بندر لنگه» از حکومت «بنادر» مجزا و با «لارستان» ولایت «لارستان» را تشکیل داد. «کرمان» به دو ولایت «کرمان» و «جیرفت» تقسیم و شهر «بابک» نیز از «یزد» مجزا و ضمیمه «کرمان» شد. در ولایات نیز تغییرات زیر به عمل آمد:

«درجزین»، از توابع «عراق» ضمیمه «همدان» شد. «قم» و «ساوه»، که در این زمان هریک حکومت مستقل داشتند، با اتفاق هم ولایت «قم» و «ساوه» را تشکیل خواهند داد. «محلات» ضمیمه «گلپایگان» شد و «لرستان» به دو قسمت «لرستان» و «بروجرد» تقسیم شد. «سمنان» و «دامغان»، که سابقاً مستقل بودند، با هم دیگر ولایت «سمنان» و «دامغان» را تشکیل دادند. «بشاگرد» از «مکران» مجزا و با «بندرعباس» توأم شد و ولایت «عباسی» را تشکیل دادند (ساکما، شناسه بازایی ۲۹۳۰۰۴۴۵۵).

۶. تدوین و اجرای قانون جدید تقسیمات کشوری در جهت تقویت جریان نوسازی

بین سال‌های ۱۳۱۲ تا ۱۳۱۶ ش، بسترها و زمینه‌سازی‌های لازم برای ایجاد تحول زیربنایی در تقسیمات کشوری مهیا شد و با روی کار آمدن ابوالقاسم فروهر، به‌عنوان وزیر داخله در مهر ۱۳۱۶ ش در کابینه محمود جم، مهم‌ترین تحول و نوسازی در تقسیمات کشوری ایران رقم خورد. دوره طولانی نخست‌وزیری جم، که پیش‌ازین نام خود را از مدیرالملک به جم تغییر داده بود، بستری برای سرعت‌بخشیدن به تفکرات باستان‌گرایی و نوسازی فراهم آورد. بر این اساس، وزارت داخله، هم‌زمان با درخواست از فرهنگستان برای تغییر مفاهیم تقسیمات کشوری، لایحه تقسیمات کشور و وظایف فرمان‌داران و بخش‌داران و نیز لایحه مربوط به تشکیلات مرکزی وزارت داخله را تهیه و برای تصویب تقدیم مجلس شورای ملی کرد. فرهنگستان در آبان ۱۳۱۶ نام‌های جدیدی برای تقسیمات کشوری وضع و تصویب کرد. این نهاد در توضیح علت انتخاب نام استان برای شش ناحیه تقسیمات کشوری و نیز انتخاب نام استان‌دار برای متصدی کارهای استان بیان می‌کند: «نام استان و استان‌دار در دوره‌های قدیم ساسانیان معمول بوده و در کتاب‌های بعد از دوره اسلامی هم دیده می‌شود» (ساکما، شناسه بازایی ۲۴۰۰۱۱۷۲۸). فرهنگستان هم‌چنین درخصوص تغییر نام ولایت به شهرستان معتقد است: «کلمه شهرستان سابقه تاریخی دارد» (همان). هم‌چنین، درخصوص تغییر نام بلوک به دهستان و تعیین نام ده‌دار برای متصدی کارهای دهستان بیان می‌کند: «در فرهنگ‌ها و کتب قدیم به چند قریه و ده دهستان گفته می‌شده است و کلمه ده‌دار در کتاب‌های قدیم دیده می‌شود و نام کسی است که به کارهای چند ده رسیدگی می‌کند» (همان). این‌گونه به‌نظر می‌رسد که فرهنگستان در جهت جریان قوی و گسترده باستان‌گرایی در دوره رضاشاه (دولت‌آبادی ۱۳۷۱: ۴۳۶؛ کرونین ۱۳۸۳: ۲۰۱) برای تغییر مفاهیم تقسیمات کشوری به گذشته باستانی ایران نظر داشته است و وجود این اصطلاحات در دوران باستانی ایران را مبنای تصمیم‌گیری برای تغییر نام اجزای تقسیمات کشوری قرار داده است.

تقسیمات کشوری و جریان تمرکزگرایی و ... (فرشید نوروزی و دیگران) ۲۶۵

درنهایت، لوایح دولت راجع به تشکیلات مرکزی وزارت داخله و تقسیمات کشور و وظایف حکام، پس از بررسی در کمیسیون داخله، در مجلس شورای ملی مطرح و سرانجام به تصویب رسید.

فرهنگستان نیز به تغییر نام مفاهیم تقسیمات کشوری اقدام کرد و ریاست وزرا این تغییرات را طی بخش‌نامه‌هایی در آبان ۱۳۱۶ به دستگاه‌های اجرایی ابلاغ کرد. براساس تصمیم فرهنگستان، هریک از شش ناحیه تقسیمات کشوری موجود به استان تغییر نام یافته و متصدی کارهای استان استان‌دار (بازرس استان) نامیده شد. هم‌چنین، هریک از پنجاه ولایت به شهرستان تغییر نام پیدا کرد و حاکم شهرستان فرمان‌دار (فرمان‌گذار) نامیده شد. هریک از تقسیمات ولایتی به بخش تغییر نام یافت و متصدی کارهای بخش بخش‌دار نامیده شد. بلوک نیز به دهستان تغییر نام پیدا کرد و متصدی کارهای بلوک ده‌دار نامیده شد (ساکما، شناسهٔ بازیابی ۳۱۰۳۶۷۱۳؛ ۲۹۷۰۰۸۴۴۹).

کشور ایران مطابق نقشه و صورت ضمیمه به شش استان و پنجاه شهرستان تقسیم گردید و هر استان مرکب از چند شهرستان، هر شهرستان مرکب از چند بخش، هر بخش مرکب از چند دهستان، و هر دهستان مرکب از چند قصبه خواهد بود (ساکما، شناسهٔ بازیابی ۲۴۰۰۱۴۳۶۴؛ ۲۴۰۰۱۸۱۱۶).



نقشهٔ ۱. تقسیمات کشوری براساس قانون مصوب آبان ۱۳۱۶

اگرچه قانون‌گذار در مجلس هدف از این نوع تقسیم‌بندی را جلوگیری از تمرکز اداره امور در وزارت داخله و تفویض اختیار در بعضی امور به استان‌ها اعلام کرد (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی ۲۵ مهر ۱۳۱۶)، به نظر می‌رسد تبدیل ایالات و ولایات متعدد ایران به شش استان فرایند ابلاغ قوانین نوگرایانه به کل کشور و پی‌گیری برای اجرای این قوانین را کوتاه و نظارت بر اجرای آن را سهل‌تر می‌کرد و نه تنها از تمرکز امور در پایتخت نمی‌کاست، بلکه این تمرکز را افزایش داد و نیز برای وزارت داخله کار نظارت را راحت‌تر می‌کرد. به عبارت دیگر، وزارت داخله مجموعه استان‌داری را به عنوان ستاد خود در استان‌ها شکل داده بود و از این طریق، بر جریان امور، به ویژه بر فرایند اجرای برنامه‌های نوگرایانه رژیم، نظارتی دقیق‌تر و سریع‌تر داشت (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی ۶ آبان ۱۳۱۶).

قانون‌گذار درخصوص نحوه تعیین و نام‌گذاری استان‌ها در پی تمرکز و کوچک‌سازی و نیز به دنبال نوگرایی تغییر پیشینه و خصوصیات تاریخی ایالات با هدف نوسازی ظاهری بود. به نظر می‌رسد وزارت داخله ابتدا براساس سابقه موجود در آن وزارت‌خانه طبق الگوی تقسیمات ارتش نوین ایران، که شامل لشکر شمال غرب، لشکر غرب، لشکر جنوب، لشکر شرق، و بعدها لشکر شمال بود (کرونین ۱۳۷۷: ۲۰۱-۲۰۲)، اقدام به تأسیس ادارات شمال، جنوب، شرق، و غرب در حوزه تقسیمات کشوری کرد.

وزارت داخله حدود دو ماه پس از تصویب قانون تقسیمات کشوری در آبان ۱۳۱۶ اصلاح قانون تقسیمات کشور و وظایف فرمان‌داران و بخش‌داران را با دو ماده تقدیم مجلس شورای ملی کرد (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی ۵ دی ۱۳۱۶).

در این لایحه، ایران مطابق نقشه و صورت ضمیمه به ۱۰ استان و ۴۹ شهرستان تقسیم می‌شود. هر استان مرکب از چند شهرستان، هر شهرستان مرکب از چند بخش، هر بخش مرکب از چند دهستان، و هر دهستان مرکب از چند قصبه و ده خواهد بود (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی ۵ دی ۱۳۱۶؛ ساکما، شناسه بازیابی ۲۳۰۰۰۰۱۲۴؛ ۲۹۳۰۰۱۲۷۹).

تقسیمات کشوری و جریان تمرکزگرایی و ... (فرشید نوروزی و دیگران) ۲۶۷



نقشه ۲. تقسیمات کشوری

براساس قانون مصوب دی ۱۳۱۶

در دوره حکومت رضاشاه و تا سال ۱۳۱۴ ش، یعنی دو سال پیش از تصویب قانون تقسیمات کشوری، تعداد ۱۰۰ ولایت در کشور وجود داشت (ساکما، شناسه بازیابی ۲۹۳۰۰۱۲۸۳) که در قانون جدید سال ۱۳۱۶ ش تبدیل به ۴۹ شهرستان و ۲۴۴ بخش شدند. درواقع، تعداد زیاد ولایاتی که حکام آن به موجب فرمان پادشاه و تصویب وزارت داخله منصوب می شدند پیش از تصویب قانون جدید مشکلاتی چند را در پی داشت. فزونی این ولایت در تعارض با برنامه های تمرکزگرایی بود و باعث می شد نظارت وزارت داخله بر آنها مشکل باشد و نیز تأمین هزینه اجرایی آنها دشوار گردد. بنابراین، در قانون جدید، تعداد استان ها و شهرستان هایی که استان دارها و فرمان دارهای آنها به صورت مستقیم با وزارت داخله سروکار داشتند به عدد ۵۶ کاهش پیدا کرد و به این ترتیب دغدغه اصلی وزارت داخله مبنی بر مراجعات مکرر و تلگراف های متعدد به این وزارت خانه به نصف کاهش یافت. هم چنین، با افزایش واحدهای عملیاتی این وزارت خانه در سطح بخش و دهستان و قصبه کار اجرای برنامه های نوگرایی اقتصادی و اجتماعی حکومت روان تر شد.

استفاده از عناوین جغرافیایی برای تعیین نام استان‌ها محدودیتی در نام‌گذاری استان‌های جدید ایجاد می‌کرد. با توجه به این که تعداد شهرهای زیرمجموعه استان‌هایی که براساس عناوین جغرافیایی نام‌گذاری شده بودند به بیش از شانزده شهرستان می‌رسید و کار استان‌داران را برای نظارت با مشکل مواجه می‌کرد و نیز هیچ سنخیتی از نظر جغرافیایی و طبیعی بین شهرستان‌های زیرمجموعه یک استان وجود نداشت، پس وزارت داخله با استفاده از عدد برای تعیین نام استان‌ها مشکل محدودیت نام‌گذاری‌های استان‌های جدید و نیز مسئله تعداد شهرهای زیرمجموعه استان‌ها و موضوع نظارت استان‌دارها بر این شهرستان‌ها (در قانون جدید تعداد شهرستان‌های زیرمجموعه یک استان به صورت میانگین به شش شهرستان کاهش یافت) و هم‌چنین موضوع عدم تناسب جغرافیایی و طبیعی شهرستان‌های زیرمجموعه استان‌ها در قانون قبلی را برطرف کرد.

نتایج حاصل از تطبیق جمعیت استان‌های یکم تا دهم نشان می‌دهد که قانون‌گذار در تعیین تعداد شهرستان‌های زیرمجموعه هر استان جمعیت ساکن در تقسیمات جدید را نیز مدنظر قرار داده است. به عبارت دیگر، شاخص جمعیت یکی از ملاک‌های تعیین شهرستان‌های هر استان بود. براساس این شاخص، این گونه به نظر می‌رسد که جمعیت استان‌های مرزی به غیر از استان پنجم، یعنی استان‌های سوم، چهارم، ششم، هفتم و هشتم، به صورتی در نظر گرفته شده است که جمعیت آن‌ها بین پانصد هزار تا هشتصد هزار نفر را در بر داشته باشد. بدین صورت، کار نظارت و مدیریت این استان‌ها توسط حکومت مرکزی با اطمینان و اتقان بیشتری صورت می‌گرفت و از بروز و شکل‌گیری کانون‌های مخالفت با حکومت مرکزی جلوگیری به عمل می‌آمد. جمعیت سایر استان‌ها، یعنی استان‌های یکم، دوم، پنجم، نهم، و دهم، از یک میلیون و دویست هزار نفر تا یک میلیون و پانصد هزار نفر در نظر گرفته شد. درخصوص ایجاد استان پنجم، این گونه به نظر می‌رسد که قانون‌گذار برای کاهش جمعیت مناطق لر نشین و کرد نشین مخالف با حکومت مرکزی درخصوص ایجاد این استان مرزی کرد نشین، که پیش از این مشکل امنیتی را برای حکومت پهلوی ایجاد نکرده بودند، با سرانه جمعیتی بالاتر اقدام کرد. درواقع، از این طریق، از ایجاد اتحاد بین کردها و لرهای مخالف حکومت با کردها و لرهای ساکن در این استان، که در برابر حکومت مرکزی تمکین کرده بودند، جلوگیری شد.

تقسیمات کشوری و جریان تمرکزگرایی و ... (فرشید نوروزی و دیگران) ۲۶۹

جدول ۲. جمعیت ایالات و ولایات ایران
در سال ۱۳۱۴ ش

ردیف	نام استان	نام شهرستان	جمعیت	جمع کل	منبع
۱	استان یکم	رشت	۳۱۹,۸۴۲	۱,۳۴۳,۷۲۲	سند ۲۹۳۰۰۱۲۸۳
۲		قزوین	۳۴۵,۹۶۱		
۳		ساوه	۱۴۶,۴۷۱		
۴		سلطان‌آباد	۱۴		
۵		زنجان	۳۴۲,۹۰۱		
۶		شهرسوار	۱۸۸,۵۴۷		
۷	استان دوم	قم	۱۴۳,۲۰۸	۱,۴۲۱,۰۶۴	
۸		کاشان	۱۵۶,۵۳۵		
۹		طهران	۷۸۴,۰۹۸		
۱۰		سمنان	۶۱,۲۳۷		
۱۱		ساری	۱۳۸,۱۲۹		
۱۲		گرگان	۱۳۷,۸۵۷		
۱۳	استان سوم	اردبیل	۳۹۷,۶۲۴	۷۵۶,۹۹۰	
۱۴		تبریز	۳۵۹,۳۶۶		
۱۵	استان چهارم	خوی	۱۴۷,۹۸۴	۷۳۳,۹۶۴	
۱۶		رضائیه	۱۷۴,۱۶۱		
۱۷		مهاباد	۱۲۲,۱۴۹		
۱۸		مراغه	۲۱۷,۲۱۶		
۱۹		بیجار (گروس)	۷۲,۴۵۴		

۲۷۰ جستارهای تاریخی، سال ۱۴، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲

ردیف	نام استان	نام شهرستان	جمعیت	جمع کل	منبع
۲۰	استان پنجم	ایلام (پشت کوه)	۶۸.۵۴۹	۱.۴۵۲.۳۶۴	
۲۱		شاه‌آباد (باوندپور)	۱۳۱.۲۵۹		
۲۲		کرمانشاهان	۳۰۷.۲۵۸		
۲۳		سنندج	۲۹۴.۲۹۱		
۲۴		ملایر	۲۶۱.۹۰۲		
۲۵		همدان	۳۸۹.۱۰۵		
۲۶	استان ششم	خرم‌آباد	۱۸۵.۴۴۲	۵۳۰.۶۷۳	
۲۷		گلپایگان	۱۱۶.۶۹۰		
۲۸		اهواز	۱۰۲.۲۶۱		
۲۹		خرمشهر	۱۲۶.۲۸۰		
۳۰	استان هفتم	بهبهان	۹۸.۹۰۲	۷۹۰.۸۷	
۳۱		شیراز	۳۷۲.۲۵۴		
۳۲		بوشهر	۶۱.۴۱۳		
۳۳		فسا	۸۳.۶۱۱		
۳۴		آباده	۹۱.۶۶۳		
۳۵		لار	۸۲.۲۴۴		
۳۶	استان هشتم	کرمان	۱۲۸.۹۴۸	۴۵۵.۵۲۷	
۳۷		بم	۶۱.۱۲۵		
۳۸		بندرعباس	۱۱۳.۳۲۱		
۳۹		خاش	۲۹		
۴۰		زابل	۱۵۲.۱۳۳		

ردیف	نام استان	نام شهرستان	جمعیت	جمع کل	منبع
۴۱	استان نهم	بیرجند	۱۸۷.۹۱۱	۱.۴۴۷.۴۳۸	
۴۲		تربت حیدریه	۱۶۵.۲۸۹		
۴۳		مشهد	۴۱۴.۰۳۲		
۴۴		قوچان	۲۳۱.۳۶۴		
۴۵		بجنورد	۱۷۱.۴۱۴		
۴۶		سبزوار	۱۹۰.۵۲۴		
۴۷		گناباد	۸۶.۰۹۴		
۴۸	استان دهم	اصفهان	۷۴۴.۸۲۵	۱.۲۹۵.۷۵۲	
۴۹		یزد	۵۵۰.۹۲۷		

۷. نوگرایی در عناصر تقسیمات کشوری در جهت حمایت از برنامه‌های نوین حکومت مرکزی و ایجاد تمرکز سیاسی

نظام اداری حکومت قاجاریه در ابتدای تأسیس این سلسله مبتنی بر فعالیت عناصری از مستوفیان و میرزاهایی بود که این مشاغل را به صورت موروثی برعهده داشتند. این عناصر تا زمان روی کار آمدن رضاشاه دست خوش تغییر نشدند و نظام اداری ایران هم چنان از آن‌ها برای تصدی مشاغل اداری و سیاسی استفاده می کرد (اکبری ۱۳۸۴: ۲۰۷-۲۰۸). رضاشاه برخلاف شاهان قاجار به هیچ ایل و طایفه ای تکیه نداشت. به همین دلیل، وی می بایست در ساخت نظام اداری مورد نظر خود به غیر از نظامیان طرف دار خود، به طبقه جدیدی نیز تکیه می کرد. این طبقه جدید، که رضاشاه با تکیه بر آن توانست نظام اداری خود را ایجاد کند، طبقه متوسط شهری بود که با استفاده از سیستم نوین آموزشی این دوره تربیت شده بود.

۲۷۲ جستارهای تاریخی، سال ۱۴، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲

جدول ۳. آمار آموزشگاه‌ها، شاگردان، آموزگاران، و فارغ‌التحصیلان از سال ۱۳۱۹ تا ۱۳۰۱ ش
(منبع: ساکما، شناسهٔ بازیابی ۸۸۳۳۴۷ سال‌نامهٔ آماری وزارت فرهنگ، سال تحصیلی ۱۳۱۸-۱۳۱۹: ۲۸۰-۲۸۸)

سال	تعداد آموزشگاه‌ها	تعداد شاگردان	تعداد آموزگاران	آمار فارغ‌التحصیلان دوره ابتدایی			آمار فارغ‌التحصیلان دوره متوسطه			آمار فارغ‌التحصیلان مؤسسات آموزش عالی
				مرد	زنان	جمع	مرد	زنان	جمع	
۱۳۰۱	۶۱۲	۵۵,۱۳۱	۳,۰۳۴	۷۹۸	۱۸۰	۹۷۸	۲۹	۰	۲۹	۱۵
۱۳۰۲	۱,۴۹۳	۹۶,۳۶۷	۵,۴۶۹	۸۱۷	۳۰۹	۱,۱۹۶	۳۷	۰	۳۷	۲۸
۱۳۰۳	۲,۳۳۶	۱۰۸,۹۵۹	۶,۰۸۶	۱,۲۹۶	۳۱۳	۱,۶۰۹	۵۷	۰	۵۷	۶۱
۱۳۰۴	۳,۲۸۵	۱۳۲,۶۹۴	۷,۵۰۱	۱,۴۹۶	۳۸۰	۱,۸۷۶	۷۷	۰	۷۷	۵۱
۱۳۰۵	۳,۱۷۷	۱۳۷,۴۹۶	۸,۱۱۸	۱,۸۰۵	۴۵۱	۲,۲۵۹	۱۱۰	۰	۱۱۰	۶۴
۱۳۰۶	۳,۵۰۲	۱۵۰,۸۱۱	۸,۴۶۵	۲,۳۳۳	۶۴۹	۲,۹۸۲	۱۳۹	۰	۱۳۹	۷۷
۱۳۰۷	۳,۳۰۰	۱۵۳,۹۲۹	۸,۳۹۷	۲,۳۷۸	۷۶۲	۳,۱۴۰	۱۴۸	۴۰	۱۸۸	۴۳
۱۳۰۸	۳,۶۴۴	۱۶۳,۳۶۴	۹,۱۵۰	۲,۹۶۷	۱,۰۲۹	۳,۹۹۶	۱۳۹	۶۶	۲۰۵	۳۴
۱۳۰۹	۳,۶۴۳	۱۸۱,۶۹۸	۹,۴۹۴	۳,۵۳۵	۱,۱۲۹	۴,۶۶۴	۲۸۴	۴۸	۳۳۲	۶۸
۱۳۱۰	۴,۱۸۱	۲۰۰,۹۲۶	۱۰,۰۷۱	۴,۲۴۹	۱,۳۸۴	۵,۶۳۳	۲۷۹	۹۵	۳۷۴	۷۴
۱۳۱۱	۴,۶۶۴	۲۱۶,۰۲۶	۱۰,۴۱۰	۴,۱۱۳	۱,۳۰۴	۵,۴۱۷	۳۱۱	۱۲۰	۴۳۱	۱۱۵
۱۳۱۲	۴,۸۵۳	۲۳۳,۲۸۲	۱۱,۰۹۴	۴,۸۰۶	۱,۷۳۰	۶,۵۳۶	۳۷۱	۲۳۵	۶۰۶	۱۰۲
۱۳۱۳	۵,۳۳۹	۲۵۵,۶۷۳	۱۱,۰۹۱	۵,۳۸۷	۱,۸۶۶	۷,۲۵۳	۷۱۳	۲۶۵	۹۷۸	۱۸۳
۱۳۱۴	۴,۹۳۹	۲۵۸,۲۷۵	۱۱,۵۴۳	۶,۶۳۱	۲,۲۵۳	۸,۸۸۴	۵۳۷	۲۱۱	۷۴۸	۳۰۵
۱۳۱۵	۸,۰۳۶	۳۹۴,۵۴۱	۱۲,۰۹۶	۷,۵۴۲	۲,۴۶۵	۱۰,۰۰۷	۵۷۷	۲۷۸	۸۵۵	۳۶۷
۱۳۱۶	۸,۳۳۱	۴۵۷,۲۳۶	۱۳,۰۷۸	۱۰,۴۲۲	۳,۳۶۷	۱۳,۸۰۹	۷۶۲	۳۵۶	۱,۱۱۸	۳۲۱
۱۳۱۷	۸,۳۸۱	۴۵۷,۲۳۶	۱۳,۰۷۸	۱۲,۳۰۳	۳,۹۳۰	۱۶,۲۳۳	۶۷۵	۴۱۱	۱,۰۸۶	۳۲۱
۱۳۱۸	۸,۰۶۶	۴۹۰,۴۳۰	۱۳,۱۳۸	۱۱,۵۵۸	۴,۳۷۲	۱۵,۹۳۰	۱,۰۳۷	۵۸۱	۱,۶۱۸	۴۵۲
۱۳۱۹	۸,۲۲۷	۴۹۸,۸۴۰	۱۳,۶۴۶	۱۲,۸۲۰	۴,۷۲۱	۱۷,۵۴۱	۱,۰۰۷	۶۲۳	۱,۶۳۰	۵۱۶

برپایه چنین نظام آموزشی‌ای، حکومت موفق شد بخش اعظم کارمندان نظام اداری نودهزارنفری خود را برای پرکردن وزارت‌خانه‌های دربار، داخله، جنگ، مالیه، خارجه، معارف (فرهنگ)، فلاحت (کشاورزی)، صنایع و معادن و تجارت، پست و تلگراف و تلفن، طرق (راه)، و فواید عامه و عدلیه تربیت کند (آبراهامیان ۱۳۸۳: ۱۲۵). در میان این وزارت‌خانه‌ها، نقش وزارت داخله در ایجاد تمرکز سیاسی پس از وزارت جنگ حائز اهمیت بود و گردانندگان آن می‌بایست از بین نیروهای نوگرای تربیت‌شده در سیستم نوین آموزشی دوره رضاشاه انتخاب می‌شدند. عناصر تقسیمات کشوری ایران در دوره ریاست‌وزرایی رضاخان و نیز در دوره سلطنت او شامل حاکمان نظامی و مقامات کشوری بودند. مقامات کشوری عمدتاً از اخلاف نوگرای خاندان‌های اداری زمان قاجاریه و کارکنان نظام اداری جدید بودند. این اعضای جدید ساختار تقسیمات کشوری از نظر سیاسی حامی اقدامات و فعالیت‌های نوگرایانه و تمرکزگرایانه رضاشاه محسوب می‌شدند و با این ایده، مناصب سیاسی ایالات و ولایات را قبول می‌کردند. درواقع، از زمان ریاست‌وزرایی رضاخان و نیز دوران سلطنت وی، مقام والی‌گری دیگر جزو ملک طلق، شاه‌زادگان، اشراف‌زادگان متمول، و سیاست‌مداران قدرت‌مند نبود، بلکه عموماً نظامیان و کارمندان وابسته به دولت به این مناصب گمارده می‌شدند (Iran Political Diaries 1997: vol. 8, 124-125, 287).

باتوجه به جایگاه ویژه نظامیان در زمان ریاست‌وزرایی رضاخان و نقش مهم و تأثیرگذار آن‌ها در ترقی و ترفیع وی به مقام سلطنت و نیز سرکوب مخالفت‌ها و ایجاد تمرکز قدرت در ایران، برتری دادن آن‌ها بر مقامات کشوری و پذیرفتن رأی و نظر آنان در امر مملکت‌داری و حکمرانی ایالات امری متداول بود (ارجمند ۱۳۸۸: ۴۶-۴۷). باتوجه به اوضاع نابه‌سامان امنیتی در بخش‌هایی از ایالات ایران و نیز در استان‌های ایلات‌نشین در دوران سلطنت پهلوی اول، سیاست به‌کارگیری نظامیان طرفدار وی رویه غالب وزارت داخله این زمان بود. به این منظور، رضاشاه شخصاً برای این مناطق افرادی را از نظامیان و به‌عنوان والی نظامی آن منطقه انتخاب می‌کرد.

این فرمان‌دهان نظامی ایالت‌ها عمدتاً در امور مقامات کشوری مداخله می‌کردند و در بعضی مواقع حتی مناصب آن‌ها را غصب می‌کردند. برای مثال، در ایالت خراسان سرتیپ جان‌محمدخان، فرمان‌ده نظامی منطقه خراسان، پس از مدتی که به این سمت منصوب شد به‌زور نیرنگ و دسیسه نه‌تنها منصب کفالت ایالت، بلکه مناصب مهمی چون کفالت آستان قدس و کفالت شهرداری را نیز از آن خود کرد (همان: ۵۷). البته همه حاکمان ایالات به‌آسانی

زیر بار نمی‌رفتند و در بعضی مواقع علیه فرمان‌ده نظامی ایالتی اقدام می‌کردند. برای نمونه، حشمت‌الدوله حاکم ایالت خراسان در سال ۱۳۰۳ ش حاضر نبود در امور مربوط به ایالت با امیرلشکر خزاعی مشورت کند و در مکاتبات اداری نیز احترامات لازم را به فرمان‌ده نظامی خراسان به جا نمی‌آورد. حشمت‌الدوله به امیرلشکر خزاعی اعلام کرد که فرمان‌ده نظامی باید فعالیت خود را بر حوزه خود محدود کند و وی هیچ‌گونه مداخله‌ای توسط نظامیان در امور اداری ایالت نظیر انتصاب زیردستان والی را تحمل نخواهد کرد (همان: ۴۹-۵۱).

رضاشاه در انتخاب حاکمان کشوری ایالات نیز به صورت مستقیم و غیرمستقیم مداخله می‌کرد. تیمورتاش در سال ۱۳۰۷ ش از طرف رضاشاه پیش‌نهاد والی‌گری خراسان را، که از ایالات مهم محسوب می‌شد، به سیدحسن تقی‌زاده ارائه می‌دهد و وی پس از مشورت با دو تن از دوستانش این سمت را قبول می‌کند (تقی‌زاده ۱۳۶۸: ۲۱۴). وزیر داخله وقت، محمود جم، با کسب موافقت قبلی رضاشاه درخصوص انتصاب مهدی فرخ به حکومت آذربایجان غربی، پیش‌نهاد را به وی ارائه می‌دهد و والی جدید قبل از عزیمت به محل مأموریت با شخص شاه دیدار و دستورهای لازم را دریافت می‌کند (فرخ ۱۳۴۸: ۳۵۰). نامزد سمت حکمرانی ایالات این امکان را داشت حتی در صورتی که وزیر داخله موافقت رضاشاه را برای انتصاب وی به سمت والی‌گری ایالتی کسب کرده باشد از پذیرش آن امتناع کند. برای نمونه، مهدی فرخ پیش‌نهاد والی‌گری ایالت خوزستان یا بنادر را نپذیرفته و دلیل عدم پذیرش را عدم هماهنگی قبلی با خود اعلام کرد (همان: ۳۴۸-۳۴۹).

رضاشاه در انتخاب حاکمان کشوری ایالات حتی از افرادی که در دربار سابق قاجاریه دارای سمت بودند نیز استفاده کرد. برای مثال، شهاب‌الدوله، رئیس تشریفات دربار سابق، به عنوان حاکم کردستان انتخاب شد (بهبودی ۱۳۷۲: ۲۷۷). رضاشاه در مواقعی هم به انتصاب بستگان خود در امر حکمرانی ایالات نیز اقدام کرد. برای نمونه، انتخاب مجلل‌الدوله دولتشاهی، پدرهمسر رضاشاه، به حکومت کرمانشاهان بر این اساس بود (همان: ۲۷). در انتخاب و معرفی حاکمان ایالات به رضاشاه به غیر از وزیر داخله افراد متنفذ دیگری هم تأثیرگذار بودند. برای نمونه، انتخاب سیدمصطفی‌خان کاظمی برای حکومت کرمان در سال ۱۳۱۱ ش و نیز انتخاب میرممتاز به عنوان حاکم چهارمحال در سال ۱۳۰۹ ش با دخالت مستقیم تیمورتاش، وزیر دربار قدرت‌مند رضاشاه، صورت گرفت (فرخ ۱۳۴۸: ۵۷۷؛ ساکما، شناسه بازیابی ۲۹۳۰۰۷۳۴۹).

انتخاب حکام ولایات برعهده والیان ایالات بود، اما انتصاب آن توسط حکومت مرکزی انجام می‌شد و این فرایند طی بخش‌نامه ۹۴۸۶ مورخ ۱۸ اسفند ۱۳۰۷ به تمام حکام ایالات

اعلام شد و براساس آن، هرگونه عزل و نصب و انتقال مأموران حوزه ایالتی می‌بایست با اطلاع و تصویب وزارت‌خانه داخله صورت پذیرد (ساکما، شناسه بازیابی ۲۹۳۱۹۰۰۲؛ ۲۹۳۰۰۰۴۷۰). این امر حاکی از تمرکز قدرت در پایتخت و حضور قدرت سیاسی مرکزی در تمامی سطوح تقسیماتی کشوری در این دوره بود. این رویه مورداعتراض حکام نیز قرار گرفت. برای نمونه، حسن تقی‌زاده، حاکم ایالت خراسان و سیستان، در اسفند ۱۳۰۷ طی مکتوبی از این روش کاری وزارت داخله انتقاد و خواهان اختیارات بیش‌تر برای حکام در عزل و نصب حکام و مأموران دولتی شد، اما به این مخالفت‌ها ترتیب اثری داده نشد و این سیاست درطول دوره حکومت رضاشاه ادامه یافت (ساکما، شناسه بازیابی ۲۹۳۰۰۰۴۷۰).

۸. نتیجه‌گیری

تا پیش از حکومت پهلوی اول، خواست اصلی روشن‌فکران و اندیشمندان ایرانی تمرکز بیش‌تر نظام اداری و تغییر و تحول در حوزه تشکیلات دیوان‌سالاری بود. اما اقدامات طرف‌داران استبداد و نیز تبعات جنگ جهانی اول سبب شد که تحولات عمده در نظام اداری و نظارت و تمرکز بیش‌تر دولت در این دوره اجرایی نگردد. با روی کار آمدن سلسله پهلوی یکی از رویکردهای اصلی و مهم آن ایجاد تمرکز سیاسی در مرکز کشور با هدف توسعه و گسترش برنامه‌های نوگرایانه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، و آموزشی در اقصی نقاط کشور ایران بود. تغییر ساختار وزارت داخله، تدوین لایحه تغییر حوزه‌بندی اداری مملکتی طبق اصول و قواعد علمی، تدوین نظام‌نامه جدید وظایف حکام، تغییر نام شهرها، روستاها، و بخش‌ها، الحاق یا تفکیک استان‌ها، شهرها، بخش‌ها، و روستاها، و استفاده از عناصر نظامی به عنوان حکم‌ران در نواحی مرزی و نیز در مناطق دارای مسئله‌های امنیتی همراه با بهره‌گیری از اخلاف خاندان‌های اداری زمان قاجاریه و کارکنان نظام اداری جدید، که از نظر سیاسی حامی اقدامات و فعالیت‌های نوخواهانه، تمرکزگرایانه، و امنیت‌آفرین رضاخان محسوب می‌شدند، از جمله این اقدامات بود که به تمرکز سیاسی قدرت و حمایت از برنامه‌های نوگرایانه حکومت منجر شد.

با تصویب نسخه اول قانون تقسیمات کشوری در جلسه ۱۶ آبان سال ۱۳۱۶ دوره یازدهم مجلس شورای ملی و اصلاح آن در ۱۹ دی ۱۳۱۶، کشور ایران به ۱۰ استان و ۴۹ شهرستان تقسیم شد. این قانون بازوان نظارتی حکومت در اقصی نقاط کشور برای نظارت بر اجرای برنامه‌های نوگرایانه‌اش را تقویت کرد. در این فرایند، وزارت داخله در گام نخست درخصوص شناسایی و تعیین استان‌داران، فرمان‌داران، و بخش‌داران و اندک‌زمانی بعد ده‌داران برای استان‌ها،

شهرستان‌ها، بخش‌ها، و روستاها اقدام کرد. در گام دوم نیز درخصوص ایجاد زیرساخت‌های لازم ازجمله ایجاد راه‌های مواصلاتی و ساختمان‌های اداری برای این تقسیمات جغرافیایی اقدام شد. با این دو اقدام، دسترسی حکومت مرکزی به اقصی نقاط کشور و حتی روستاها فراهم شد. از این طریق، اعمال نظارت بر روند اجرای برنامه‌های نوسازی دولت پهلوی اول نیز مهیا شد و عناصر حکومتی با ارسال گزارش‌های روزانه به وزارت داخله بسترهای این امر را فراهم کردند. سایر وزارت‌خانه‌ها به تطبیق ساختار اداری‌شان و ایجاد واحدهای اداری در سطوح استانی، شهرستانی، و حتی بخش‌ها و روستاهای تقسیمات کشوری جدید با هدف اعمال برنامه‌های نوگرایانه حکومت در ابعاد اجتماعی، فرهنگی، و سیاسی نیز اقدام کردند.

پی‌نوشت‌ها

۱. در سند، نام و جمعیت سلطان‌آباد وجود نداشت.
۲. در سند، نام و جمعیت خاش وجود نداشت.

کتاب‌نامه

اسناد

ساکما (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران)، شماره بازیابی ۲۹۲۰۰۵۴۰۹؛ ۲۹۰۰۰۱۹۶۳؛ ۲۹۳۰۰۰۴۹۱؛ ۲۴۰۹۶۵۰۸؛ ۲۹۱۰۰۲۰۰۲؛ ۲۹۳۰۰۴۴۵۵؛ ۲۹۳۴۱۴۶۲؛ ۲۹۰۰۰۶۴۰۴؛ ۲۹۳۰۰۶۰۸۷؛ ۲۹۷۰۰۵۱۵۸؛ ۲۹۱۰۰۰۲۷۹؛ ۲۴۰۰۱۳۸۵۳؛ ۲۴۰۰۱۸۵۸۲؛ ۲۳۰۰۰۷۸۹؛ ۲۹۳۰۰۱۳۷۵؛ ۲۴۰۰۱۸۸۵۴؛ ۲۴۰۰۱۷۳۴۹؛ ۲۴۰۰۲۱۱۴۶؛ ۲۹۳۰۰۰۰۱۵؛ ۲۴۰۵۷۵۱۶؛ ۲۴۰۰۳۷۴۰۴؛ ۲۴۰۵۷۵۱۶؛ ۲۴۰۰۳۷۴۰۴؛ ۲۴۰۰۲۲۹۶۹؛ ۲۴۰۰۹۴۶۴؛ ۲۴۰۰۱۷۷۵۹؛ ۲۹۷۰۳۸۴۳۳؛ ۲۹۷۰۲۰۲۰۴؛ ۲۹۷۰۳۹۹۹۰؛ ۲۴۰۰۲۲۹۶۹؛ ۱۰۸۰۰۴۳۶۷۰۸؛ ۱۸۷۴۶۸۱؛ ۵۰۲۲۳۴۳؛ ۳۱۰۳۶۷۱۹؛ ۳۱۳۲۰۹۳؛ ۳۱۸۱۸۹۱؛ ۳۱۰۳۶۷۱۳؛ ۲۹۰۰۰۶۵۴۶؛ ۲۹۰۰۳۹۵۲۷؛ ۲۴۰۰۱۴۳۴۶؛ ۲۹۳۰۰۰۴۹۱؛ ۲۹۰۰۰۰۲۲۴؛ ۱۷۹۱۵۶۶؛ ۲۹۷۰۲۱۷۰۲؛ ۲۹۳۰۰۴۴۵۵؛ ۲۹۱۰۰۲۰۰۲؛ ۲۴۰۰۱۱۷۲۸؛ ۲۴۰۰۸۴۴۹؛ ۲۴۰۰۱۸۱۱۶؛ ۲۴۰۰۱۴۳۶۴؛ ۲۳۰۰۰۰۱۲۴؛ ۲۳۰۰۰۲۹۴۰؛ ۸۸۳۳۴۷؛ ۲۹۳۰۰۱۲۸۳؛ ۲۹۰۰۰۲۱۹۹؛ ۲۹۱۰۰۱۷۸۵؛ ۳۵۰۷۰۹۹؛ ۲۹۳۳۲۱۷۶؛ ۲۹۳۰۰۷۳۴۹؛ ۲۹۳۱۹۰۰۲؛ ۲۹۳۰۰۰۴۷۰؛ ۲۹۳۰۰۰۴۷۰.

کتاب‌ها

آبراهامیان، پروانه (۱۳۸۳)، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، تهران: نی.

تقسیمات کشوری و جریان تمرکزگرایی و ... (فرشید نوروزی و دیگران) ۲۷۷

آصف، محمدحسن (۱۳۸۴)، *مبانی ایدئولوژیک حکومت در دوران پهلوی*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

ارجمند، محمد (۱۳۸۸)، *شش سال در دربار پهلوی*، به کوشش عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: پیکان.

اکبری، محمدعلی (۱۳۸۴)، *تبارشناسی هویت جدید ایران، عصر قاجار و پهلوی اول*، تهران: علمی و فرهنگی.

بهبودی، سلیمان (۱۳۷۲)، *رضاشاه (خاطرات سلیمان بهبودی، شمس پهلوی، علی ایزدی)*، به کوشش غلامحسین میرزاصالح، تهران: طرح نو.

تقی‌زاده، حسن (۱۳۶۸)، *زندگی طوفانی (خاطرات سیدحسن تقی‌زاده)*، به کوشش ایرج افشار، تهران: علمی.

دولت‌آبادی، یحیی (۱۳۷۱)، *حیات یحیی*، ج ۴، تهران: عطار و فردوس.

فرخ، سیدمهدی (۱۳۴۸)، *خاطرات سیاسی فرخ معتمد/السلطنه*، تهران: جاویدان.

کاتوزیان، محمدعلی همایون (۱۳۸۰)، *دولت و جامعه در ایران*، ترجمه حسن افشار، تهران: مرکز.

کرونین، استفانی (۱۳۷۷)، *ارتش و حکومت پهلوی*، ترجمه غلامرضا علی بابایی، تهران: خجسته.

کرونین، استفانی (۱۳۸۳)، *رضاشاه و شکل‌گیری ایران نوین: دولت و جامعه در دوران رضاشاه*، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: جامی.

کیهان، مسعود (۱۳۱۱)، *جغرافیای مفصل ایران (سیاسی)*، تهران: مطبعه مجلس.

لمبتون، آن. ک. (۱۳۷۵)، *ایران عصر قاجار*، ترجمه سیمین فصیحی، تهران: جاودان‌خرد.

مدیر شانه‌چی، محسن (۱۳۷۹)، *تمرکزگرایی و توسعه نیافتگی در ایران معاصر*، تهران: رسا.

سال‌نامه‌ها

سال‌نامه آریان (۱۳۱۶ ش)، به کوشش بهرام آریان، تهران.

سال‌نامه پارس (۱۳۰۷ ش)، به کوشش امیر جاهد، تهران.

سال‌نامه پارس (۱۳۰۹ ش)، به کوشش امیر جاهد، تهران.

سال‌نامه پارس (۱۳۱۱ ش)، به کوشش امیر جاهد، تهران.

مذاکرات مجلس

مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی (سه‌شنبه ۱۶ اسفند ۱۳۰۵)، دوره ۶، جلسه ۷۲.

مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی (پنج‌شنبه ۶ آبان ۱۳۱۶)، دوره ۱۱، جلسه ۱۱.

مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی (یک‌شنبه ۱۶ آبان ۱۳۱۶)، دوره ۱۱، جلسه ۱۲.

۲۷۸ جستارهای تاریخی، سال ۱۴، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲

مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی (یکشنبه ۲۵ مهر ۱۳۱۶)، دوره ۱۱، جلسه ۹.

اسناد بریتانیا

Iran Political Diaries 1881–1965 (1997), R. M. Burrel (ed.), vol. 8, Archive Editions Ltd.,
1st edition.